

## اگر من رئیس جمهور بودم!

خیلی از مواقع هست که افراد می‌گویند اگر من رئیس جمهور بودم چنین می‌کردم و چنان. همه مشکلات را یک ماهه حل می‌کردم! وقتی می‌پرسی که چگونه چنین و چنان می‌کردید، متوجه میشوی که عملاً هیچ برنامه و ایده خاصی در ذهن ندارند و صرفاً یک ادعای توخالیست. از اینجور افراد در جامعه کم نیستند. حتی خود روحانی که روزی میگفت: "کاری میکنم که هم چرخ سائتریفیوژ بچرخد هم چرخ معیشت مردم... کاری میکنم که مردم به یارانه ۴۵ هزار تومانی اصلاً نیازی نداشته باشند و...". خب خیلی سریع با استقرار دولت، معلوم شد که هیچ برنامه مشخص و مدونی در ذهن ندارد و حتی الان که ۹ ماه به پایان دولت مانده (پس از ۷ سال و ۳ ماه) باز هم هیچ خط مشی مشخصی در دولت مشاهده نمی‌شود. چه خوب میشد اگر هر کسی خود را در جایگاه رییس جمهور فرضی می‌گذاشت و راهکارهای خود را مینوشت. اینطوری یک هم‌افزایی فکری شکل میگرفت و ممکن بود هرکسی با توجه به تخصص و حیطه کاری خود باعث تولد ایده‌های جدیدی شود. ولی وقتی همه ادعا میکنند علامه هستند ولی اغلب هیچ راه حلی و ایده‌ای ارائه نمی‌دهند خب طبیعتاً هیچ کمکی هم به حل مشکلات نمی‌کنند. من سعی کردم خودم را در جایگاه رییس جمهور فرضی بگذارم و ایده‌های خود را روی کاغذ بیاورم. این ایده‌ها و راهکارها در حوزه‌های مختلف از قرار زیر است:

### الف- ایران؛ یک کشور دریایی

ایران را به یک کشور دریایی واقعی تبدیل می‌کردم. کشوری با ۵۸۰۰ کیلومتر سواحل در شمال و جنوب، نباید درگیر در بیابانها و کم‌آبی باشد. کشور ایران همواره بطور تاریخی از دریا ترس داشته و ضربات زیادی از دریا خورده مانند چند مرتبه اشغال کشور ایران از مسیر دریا. این مردم را باید به دریا نزدیک کرد. ترساندن کشورهای جهان سوم از دریا و دور کردن آنها از سواحل یک تفکر استعماری است درحالیکه بزرگترین شهرهای اروپا و آمریکا در کنار دریا شکل گرفته‌اند ولی در کشورهای عقب افتاده، در مرکز کشور و دورترین فاصله از دریا بخصوص دریاهای آزاد! دقیقاً برعکس آنچه که باید باشد. مشکل خشکسالی و کم‌آبی همواره گریبانگیر ایرانیان بوده چراکه بزرگترین شهرهای ایران در مناطق کویری و کم‌آب شکل گرفتند و هرگز همتی برای کوچ به سمت سواحل وجود نداشته است. راهکارهای عملی من برای این کار عبارتند از:

۱) احداث شهرهای بزرگ و پرجمعیت در سواحل بخصوص در سواحل جنوبی و سواحل مکران. ۲) انتقال صنایع بزرگ و آب‌بر به سواحل و جلوگیری از طرح‌های توسعه‌ای صنعتی در مرکز کشور مانند فولاد، خودروسازی، نیروگاهها و ... ۳) احداث دو خط آزادراه شمال-جنوب در نیمه شرقی و میانی کشور (از مشهد به چابهار و از جاسک به شاهرود و گلستان (خزر)) و اتصال به شبکه بزرگراهی کشور جهت سهولت دسترسی به سواحل. احداث آزادراه در امتداد سواحل جنوبی (از چابهار تا خرمشهر) و سواحل شمالی (از بندر ترکمن تا آستارا). یکی از علل متروکه بودن بخش‌های اعظم سواحل جنوبی کشور، دسترسی جاده‌ای بسیار دشوار، طولانی و خطرناک است بدلیل عدم وجود اتصال به شبکه بزرگراهی کشور. ۴) گسترش شبکه ریلی و راه آهن به سمت سواحل و تسریع در مسیر ریلی چابهار-زاهدان-مشهد و همچنین شبکه ریلی در امتداد سواحل جنوبی (که فعلاً حتی در برنامه‌های دو دهه آینده وزارت راه نیز وجود ندارد!). احداث یک خط آهن برقی سریع (با سرعت بالای ۲۰۰ کیلومتر بر ساعت) از تهران به سمت سواحل جنوبی جهت کاهش زمان دسترسی به سواحل (به دلیل گستردگی ایران و طولانی بودن زمان سفر از شمال به جنوب یا از شرق به غرب وجود یک مسیر ریلی سریع السیر از شمال به جنوب و از شرق به غرب ضروریست). ۵) احداث سازه‌های عظیم مهندسی به عنوان نمادهای شهری فاخر و جاذبه منحصر بفرد گردشگری در همه شهرهای ساحلی و تبدیل آنها به مرکز مجموعه‌های گردشگری مدرن در سواحل جهت جذب گردشگر. تنها صنعت گردشگریست که باعث رشد مشاغل خرد، بومی، کم‌هزینه و گسترده میشود (در مقایسه با صنایع بزرگ). تلاش جهت تغییر چهره فقیرانه و متروکه شهرهای ساحلی جنوب. تنها راه استقرار جمعیت میلیونی در سواحل، توسعه گردشگری است که لازمه آن دو چیز است: ایجاد جاذبه‌های جدید و مدرن و دیگری راه‌های مواصلاتی امن و سریع. ۶) انتقال پایتخت تجاری یا برخی وزارتخانه‌ها به شهرهای ساحلی کشور. ۷) اجرای طرح بنیادین «ایرانرود» برای اتصال خزر به خلیج فارس به عنوان یکی از طرح‌های

آینده‌ساز ایران که هنوز اجرا نشده، جزء تحریم‌های آمریکاست! و این خود نشانی از اهمیت و استراتژیک بودن این طرح دارد و معیشت کل ایرانیان را دچار تحولات اساسی مینماید.

## ب- طرح تحول آموزشی

یکی از معایب اساسی سیستم آموزشی ایران اینست که استعداد های دانش‌آموزی را تشخیص نمیدهد و همه را روانه دبیرستان و سپس دانشگاه می‌کند درحالی‌که بسیاری از این افراد برای تحصیلات آکادمیک و دانشگاهی مناسب نیستند و استعدادهایشان در زمینه‌های دیگری است. همین هجمه بی‌مورد دانش‌آموزان به سمت دانشگاه باعث داغ شدن معضل کنکور در بین خانواده‌ها و متن جامعه شده و همچنین هزینه‌های آموزش عالی نیز در ایران بسیار هنگفت شده بطوریکه بخشی از آن در قالب دانشگاه آزاد و نوبت شبانه بر دوش خانواده‌ها گذاشته شده است. در انتهای این مسیر پرهزینه، انبوهی از فارغ التحصیلان بیکار تحویل جامعه و خانواده‌ها می‌شود که معضلاتی از قبیل افزایش سن ازدواج را نیز در پی دارد. برای اصلاح این مسیر باید یک اقدام ریشه‌ای مطابق مراحل زیر انجام داد:

۱) ایجاد دو رکن اساسی در ساماندهی آموزشی، علمی و فناوری کشور: اول) رصد نیازهای بومی کشور دوم) رصد علم و فناوری بر پایه نیازهای بومی کشور ۲) تبدیل ۶۰ درصد دبیرستانهای ایران به هنرستان در یک بازه زمانی ۵ ساله. ۳) کاهش ۶۰ درصدی ظرفیت دانشجویان در همه مقاطع تحصیلی - حذف رشته‌هایی که تناسبی با بازار کار ندارند- توقف جذب هیات علمی جدید در دانشگاهها. ۴) گسترش دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای برای جذب دانشجویانی که از مرحله هنرستان وارد تحصیلات دانشگاه می‌شوند- تعطیلی یا کوچک سازی برخی مراکز دانشگاهی (آزاد و دولتی) و تحویل ساختمانها و امکانات و نیروی انسانی آنها به هنرستانها و دانشگاه‌های فنی حرفه‌ای. ۵) کاهش خودبخودی ۶۰ درصد از تقاضا و صف کنکور با توجه به کاهش تعداد متقاضیان. ۶) افزایش ظرفیت کنکور پزشکی تخصصی برای تربیت تعداد بیشتر متخصصین پزشکی و شکستن انحصار و رانت ایجاد شده برای محدودیت تعداد پزشک متخصص در کشور. ۷) تغییر نوع آموزش در سطوح دبستان از آموزش کلاسی به آموزش تجربی و کار جمعی جهت مهارت آموزی و یادگیری عملی و تجربی بجای روخوانی کتابهای درسی. ۸) کمک به ایجاد فرآیند کشف استعدادها و تعیین حوزه استعدادی هر فرد با ارزیابی‌های پیوسته از دوران دبستان تا دبیرستان و هدایت افراد به سمت شکوفایی استعدادهایشان (کشف استعدادها بجای خلق استعدادها).

همه این موارد در قالب یک نقشه راه آموزشی، علمی و فناوری تدوین و ابلاغ می‌شود.

## پ- بیابان‌زدایی

کارشناسان می‌گویند که حدود ۹۰ درصد مساحت ایران، خشک و نیمه‌خشک است. این یعنی اینکه باید «بیابان‌زدایی» به محور اصلی تمامی برنامه‌های تحقیقاتی، دانشگاهی و آموزشی ایران در همه سطوح تبدیل شود. تمام آبرو و حیثیت و توانایی علمی و فناوری کشور را در زمینه بیابان‌زدایی گرو می‌گذاشتم و محوریت ۷۰ درصد تمامی برنامه‌های پژوهشی کشور را به این مورد اختصاص میدادم. برای کشوری مثل ایران، هیچ برنامه تحقیقاتی‌ای مهمتر از این نیست و نباید باشد و همه تحقیقات و تزیهای پراکنده و بی‌هدف دانشجویی را باید به این سمت هدایت کرد. بیابان‌زدایی بر اساس سه محور «آب»، «خاک» و «گیاه» استوار است که میتواند کلیه رشته‌های مهندسی دانشگاهی را درگیر خود کند از جمله بیوتکنولوژی و نانوتکنولوژی و همچنین تکنولوژی هسته‌ای. امروزه در دنیا گیاهان شورزی جدیدی با تکیه بر علم بیوتکنولوژی و هسته‌ای تولید میشوند که در مناطق خشک و نیمه‌خشک دوام آورده و با خاک شور و حداقل مصرف آب تطابق دارند. همچنین خاکهای نوین که به کمک فناوری نانو تهیه شده و جذب و نگهداری رطوبت آنها چندین برابر خاک معمولیست و آبیاری گیاه را از چند روز به چند هفته یا چند ماه افزایش میدهد. بطور مثال چین موفق شده است که هزاران هکتار از بیابانهای خود را به کمک فناوری‌های نوین به مناطق سرسبز تبدیل کند. این رویای هر ایرانیست و معضل حاد آینده ایران همین مشکل بیابان‌زدایی و رشد بیابانها و ریزگردها و کم آبی است. هم اکنون چندین سال است که ریزگردها چندین استان کشور را درگیر خود کرده‌اند که تنها یک نمونه مثال از معضلات حاد آینده کشور است. برنامه‌های زیر ابلاغ میگردد:

۱) تغییر و تقویت کمی و کیفی رشته‌های دانشگاهی با سه محور اصلی در بیابان‌زدایی ۲) اجبار جهت محوریت بیابان‌زدایی در ۷۰ درصد پروژه‌های تحقیقاتی و دانشگاهی و تزه‌های پراکنده دانشجویی ۳) احداث شهرک‌های علمی تحقیقاتی خاص بیابان‌زدایی ۴) آموزش کشت گلخانه‌ای به روستائیان و اجبار جهت حذف کامل یا محدود کردن کشت غرقابی. ۵) تعیین جایزه بین‌المللی بیابان‌زدایی با مبلغ جایزه ۵۰ هزار دلاری برای طرح‌های برتر و تبدیل ایران به قطب علمی بیابان‌زدایی دنیا- خرید پژوهش‌های منتج به محصول دنیا در راستای بیابان‌زدایی- برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط توسط اساتید داخلی و خارجی در دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها ۶) ارائه سوبسید تحقیقاتی و صنعتی و تسهیلات بانکی و معافیت‌های مالیاتی به کلیه موسساتی که بر هر نحوی در حوزه بیابان‌زدایی فعالیت می‌کنند.

#### ت- افزایش جمعیت

جمعیت ایران به سرعت رو به پیری می‌رود و یک کشور پیر هرگز نمی‌تواند در آینده، مستقل و آباد باشد ضمن اینکه برخی فتنه‌های مذهبی نیز در دل محدودیت جمعیت شیعه، نهفته است. جمعیت ایران باید در یک بازه زمانی ۱۰ ساله به ۱۵۰ میلیون نفر افزایش یابد. برنامه‌های زیر در این راستا اجرا می‌گردد: ۱) تحت پوشش بیمه قرار دادن بیمه‌ریهای ناباروری ۲) احداث مراکز درمان ناباروری در همه مراکز استانها و شهرهای بزرگ. ۳) مشوقهای حقوقی برای فرزندآوری بیشتر کارمندان دولت ۴) یارانه‌های خاص برای فرزندان بیش از ۲ بصورت تصاعدی. ۵) فرهنگسازی در باورها و نیازهای مردم به فرزندآوری.

#### ث- مسکن

ادامه دادن سیاست زمین رایگان جهت انبوه‌سازی مسکن و کاهش قیمت تمام شده (شبیه روش مسکن مهر) با توجه به وسعت زیاد ایران و عدم وجود محدودیت زمین در ایران بر خلاف کشورهای اروپایی - سرمایه‌گذاری در تولید و تجاری‌سازی محصولات مدرن مسکن با محوریت ضدزلزله بودن باتوجه به زلزله‌خیز بودن شهرهای ایران مانند آجرهای سبک ضدحریق و ارزان.

#### ج- جدا کردن بودجه سالیانه از درآمدهای نفتی

مهمترین کار اقتصادی کشور اینست که بودجه سالیانه باید مستقل از درآمد نفتی باشد و درآمد نفتی صرفا باید صرف کارهای عمرانی ماندگار شود که برای نسل‌های آتی نیز به یادگار بماند مانند توسعه راه‌های کشور و سایر امور زیربنایی. ثروتی که تشکیل آن چند میلیون سال طول کشیده نباید توسط یکی دو نسل مصرف شده و دود شود!

#### چ- دفاعی و هسته‌ای

زنده نگه داشتن همیشگی تهدید تسلیحات هسته‌ای علیه دشمنان و حفظ نگرانی دشمنان کشور (حتی بدون نیاز به ساختن سلاح هسته‌ای) - پیشرفتهای همه جانبه هسته‌ای- غنی‌سازی ۶۰ درصد برای سوخت هسته‌ای زیردریایی‌های نظامی- تمرکز خاص روی طراحی و ساخت زیردریایی‌های با سیستم رانش اتمی و حاوی لانچرهای عمودی پرتاب موشکهای دوربرد با کلاهکهای خاص (با برد بیش از ۴ هزار کیلومتر) برای تهدید مستقیم و در دسترس داشتن خاک آمریکا جهت تضمین «ضربه متقابل» در درگیری‌های آینده - پرهیز از ساخت ناوهای نظامی غول‌پیکر و پرهزینه و تمرکز بر ناوهای کوچک و متوسط حامل موشکهای دوربرد - تمرکز تام بر حوزه زیرسطحی (زیردریایی‌ها) و موشکی.

#### ح- قطب انرژی خورشیدی غرب آسیا

ایران کشوری است با حدود ۳۰۰ روز آفتابی در سال که با توجه به زمین‌های مسطح بیابانی فراوان، قابلیت تبدیل شدن به قطب انرژی خورشیدی غرب آسیا و بلکه کل آسیا را دارد. در این زمینه برنامه‌های زیر مد نظر قرار می‌گیرد: ۱) کمک به افزایش سطح دانش و فناوری بومی در تولید سلولهای فتوولتائیک به کمک شرکتهای دانش‌بنیان و دانشگاهها و عدم نیاز به واردات ۲) توسعه رشته‌های درسی هنرستانی و فنی و حرفه‌ای در

حوزه انرژی خورشیدی (۳) هدایت تسهیلات بانکی در حوزه احداث نیروگاه‌های خورشیدی چند مگاواتی (۴) فرهنگ‌سازی جهت بکارگیری نیروگاه‌های خورشیدی مقیاس کوچک خانگی (۵) افزایش مبلغ خرید تضمینی برق خورشیدی از سوی دولت. (۶) هدفگذاری برای تولید حداقل ۱۰ درصد مصرف برق کشور از انرژی خورشیدی در یک بازه زمانی ۵ ساله.

#### خ- توسعه نگاه مدرن و مهندسی در حوزه گردشگری

چندین دهه است که محور توسعه گردشگری ایران بر دو اصل، استوار بوده است: یکی آثار باستانی و دیگری طبیعت زیبا. بر پایه این تفکر، هرگز مناطقی از ایران که از این دو عامل محروم بودند شانس برای توسعه گردشگری نداشتند ولی در دنیای امروز، به کمک ساخت شاهکارهای خارق العاده مهندسی به عنوان نماد شهری در مناطق محروم و دور افتاده، جاذبه گردشگری ایجاد کرده و درآمد سرانه مردم آن مناطق را افزایش می‌دهند مانند کشورهای هند و چین که در این حوزه پیشتاز هستند. متأسفانه در ایران بدلیل نبود تفکرات مهندسی در حوزه گردشگری، مناطق دور افتاده ایران بهره‌ای از درآمد گردشگری ندارند مانند مناطق ساحلی زیبای جنوب کشور که علیرغم داشتن طبیعت زیبا، سهمی از گردشگری ندارند. باید ساخت نمادهای فاخر و عظیم مهندسی در چنین شهرهایی در دستور کار قرار گیرند و به مرور، به تغییر چهره فقیرانه این مناطق کمک کرد.

#### د- تولید فیلمهای فاخر علمی از پروژه‌های بزرگ ایران

کشورهای صاحب تکنولوژی در جهان همیشه برای نشان دادن سطح فناوری و دانش خود اقدام به تهیه فیلمهای علمی از بزرگترین پروژه‌های مهندسی خود می‌کنند. در این فیلمها بطور جامع به جوانب پیچیده پروژه‌های خارق العاده مهندسی پرداخته و شاهکارهای مهندسی کشورهای خود را به رخ جهان می‌کشند. از طرفی با ساخت این فیلمها، حس غرور و برتری را به جوانان و نوجوانان خود تزریق می‌کنند. این فیلمها از جهت علمی و آموزشی نیز بسیار ارزنده هستند چراکه با ارائه مشخصات فنی خوب از جزئیات یک پروژه، به منزله یک مجموعه آموزشی با چگالی علمی بالا عمل می‌کنند مانند مجموعه فیلمهای: *Discovery, Big Bigger Biggest, Mega Structures*. متأسفانه در کشور ما طی ۴۰ سال اخیر با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر در حوزه دانش‌های نوین و علوم پایه، بیان مصور درستی از تولید علم و فناوری و پروژه‌های خارق العاده مهندسی پس از انقلاب صورت نگرفته و اگر هم برنامه‌های مستندی تهیه شده، ارزش خبری داشته‌اند نه ارزش علمی. حتی در فیلمهای دفاع مقدس، جایگاه فناوری و نبوغ مهندسان ایرانی در زمان جنگ، واقعا خالیست درحالیکه خلاقیت‌های مهندسی خارق العاده‌ای در زمان جنگ اجرا شد که دانستن آنها باعث تقویت حس غرور و خودباوری در جوانان و نوجوانان ایرانی می‌شود. اینجاست که بیان مصور عملکرد مهندسان و دانشمندان ایرانی پس از انقلاب، ساخت مستندی تخصصی-علمی پیرامون فاخرترین پروژه‌های مهندسی ایران اهمیت می‌یابد.

#### ذ- انتقال پایتخت

تمرکز تمام قدرت سیاسی و اقتصادی در تهران و تجمع بهترین دانشگاه‌های ایران و انبوهی از دانشجویان در تهران باعث شده است که تهران از نظر جمعیت، آلودگی هوا، ترافیک و مشکلات امنیتی ناشی از برخی شورشی‌های خیابانی به یک گلوگاه غیرقابل حل تبدیل شود. هیچ راهی جز سبک کردن جمعیت تهران و تمرکز زدایی از پایتخت وجود ندارد. اقدامات زیر انجام می‌گردد: (۱) حفظ پایتخت سیاسی در تهران و انتقال پایتخت تجاری به سه شهر از شهرهای ساحلی جنوب کشور و انتقال سازمانهای تخصصی به شهرستانهای مربوطه (۲) اجبار جهت خروج همه دانشگاه‌ها از تهران یا حذف سهمیه کنکور آنها تا زمان استقرار در شهرهای دیگر - تامین هزینه کامل انتقال و استقرار آنها در شهرستانها از محل فروش ساختمانها و زمینهای آنها در تهران - هم اکنون در تهران حدود ۲۲۰ هزار نفر دانشجو به همراه ۵ هزار عضو هیات علمی و مدرس و دهها هزار کارمند و شاغل (به همراه خانواده آنها) در دانشگاهها حضور دارند که احتمالاً ۶ درصد جمعیت شهر تهران را تشکیل میدهند و یکی از عوامل گرانی مسکن و اجاره بها در تهران هستند. (۳) انتقال تمام صنایع بزرگ از تهران و اجبار جهت انتقال صنایع آب‌بر به مناطق ساحلی از جمله ایران خودرو و سایپا (۴) واگذاری زمین اقساطی در شهرهای جدید جهت تشویق به خروج از تهران. (۵) انتقال کلیه پادگانها و مراکز نظامی به خارج تهران.